



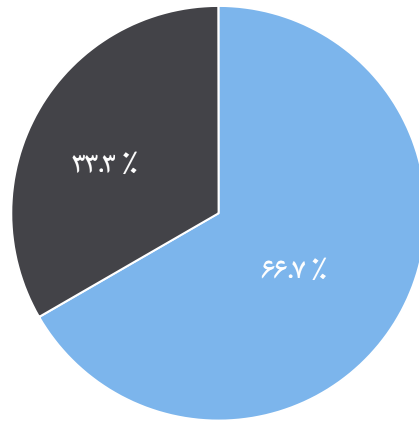
# صنعت شیر در رسانه

سه شنبه



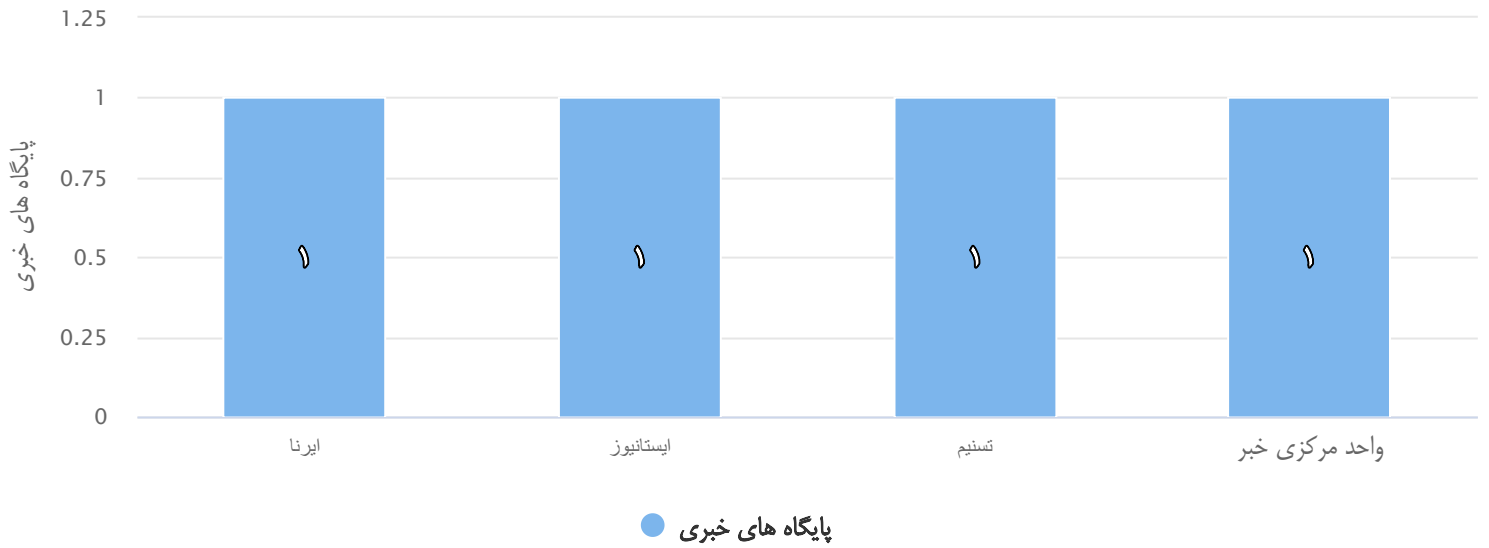
۱۳۹۹/۱۲/۱۸ - ۱۳۹۹/۱۲/۱۹

## درصد فراوانی اخبار بولتن به تفکیک نوع رسانه



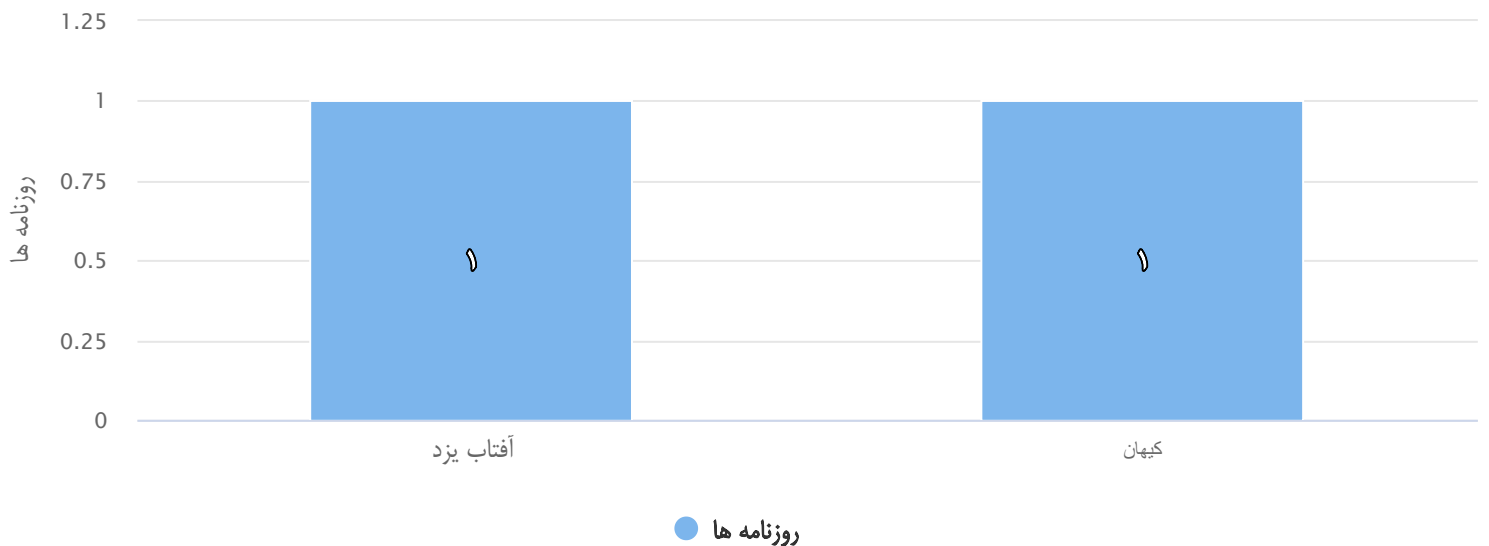
● خبرگزاری  
● روزنامه

## نمودار توزیع فراوانی مطالب منتشره در پایگاه های خبری



Highcharts.com

## نمودار توزیع فراوانی مطالب منتشره در روزنامه ها



Highcharts.com

## صنایع لبنی

-  آفتاب
امان مردم از گرانی بریده است/خداحافظی با خرید کیلویی میوه
-  کیهان
۱۰۰ تن شیر خشک در ایرانشهر کشف شد
-  کشف
۱۰۰ تن شیر خشک قاچاق در ایرانشهر
-  IRNA
۱۰۰ تن شیر خشک در ایرانشهر کشف شد
-  تسنیم
دستورد راه اندازی شهرک صنعتی مشترک ایران با جمهوری آذربایجان توسعه اقتصادی کشور...
-  ایستانیوز
سیاست های ارزی یکی از عوامل اختلال در بازارهاست/فرهنگ مداخله گری در ایران

# صنایع لبنی



بدون تصویر

## امان مردم از گرانی بریده است / خداحافظی با خرید کیلویی میوه

آفتاب یزد گروه شبکه : « قبلا وقتی وارد تره بار میشدی به زور از کنار مردم می توانستی رد بشوی به این خاطر که شلوغ بود اما الان به خاطر گرانی تعداد کمی از مردم در تره بار حضور دارند.

آفتاب یزد گروه شبکه : « قبلا وقتی وارد تره بار میشدی به زور از کنار مردم می توانستی رد بشوی به این خاطر که شلوغ بود اما الان به خاطر گرانی تعداد کمی از مردم در تره بار حضور دارند پیشتر وقتی می خواستم میوه خریداری کنم زیر یک یا دو کیلو نبود اما حالا آمده ام خرید ، ۲ تا هویج و ۲ تا بادمجان برداشتم و این خیلی برای یک خانواده ایرانی زشت است که بخواهد اینطوری (دونه ای) خرید کند نمی دانم مسئولان از گرانی ها اطلاع ندارند یا انقدر در رفاه هستند که از مردم خبر ندارند خدا را شاهد می گیرم که از پس هزینه ها بر نمی آیم یک کمی به داد مردم برسید یک و نیم میلیون حقوق می گیرم که با یک خرید تمام شد من چیکار کنم به خدا حاضرم خودکشی کنم قیمت ها چند برابر شده و دیگر نمی توانیم میوه بخیریم گوشت و مرغ که جای خود دارد « این گزاره ها درد ودل و گلایه های مردمی است که گرانی ها امانشان را بریده انقدر که قدرت خرید را در آن ها پایین آورده است مردمی که قبلا کیلویی میوه می خریدند اما حالا یا از خرید آن عاجزند یا مجبورند دونه ای آن ها را تهیه کنند کما اینکه چندی پیش اسدالله کارگر رئیس اتحادیه فروشندگان میوه و سبزی گفته است : «تقاضای مردم برای خرید میوه کاهش یافته است و این محصول در اولویت های اول خرید مردم نیست « حالا مردم از این اتفاق در رنج اند و شرمند خانواده شان ، اما مسئولان نمی بینند که بخواهند فکری به حال این موضوع کنند چقدر دیگر باید مردم بابت گرانی ها اعتراض کنند تا گوش شنوایی برای مشکلشان پیدا شود؟ همین چند روز پیش بود که آفتاب یزد طی گزارشی با عنوان «کدام خرید عید؟ پول نداریم ! « بخش دیگری از ناراحتی های مردم را از این موضوع منتشر کرده بود همان ها که به خاطر نداشتن پول ، عطای خرید عید را به لقایش بخشیده بودند < راز یک معما؛ گرانی در عین فراوانی در همین راستا عصر ایران طی یادداشتی به قلم مهرداد خدیر نوشته است : «این سخن رهبری در روز درختکاری که «اجناس و میوه ها گران اما فراوان است و برای گرانی باید چاره ای اندیشید» ، نکته ای بسیار قابل تامل است؛ واقعیتی که نزد برخی به صورت معما درآمده است چرا که بر اساس قاعده عرضه تقاضا که مهم ترین محور اقتصاد آزاد و مورد استناد همه است ، اگر عرضه زیاد و تقاضا کم باشد قیمت باید کاهش یابد و اگر تقاضا زیاد باشد و عرضه کم قیمت بالا می رود حال آن که در بازار ایران ما شاهد کمبود و قحطی نیستیم و جنس هست اما گران است موضوع این نوشته هم معمایی گرانی در عین فراوانی است یعنی چرا با این که جنس هست ، گران است؟ اگر کمبود باشد گرانی قابل فهم است اما وقتی هست و زیاد هم هست چرا باید گران باشد؟ وقتی از گرانی صحبت می کنیم آن را از گران فروشی باید جدا دانست تلقی عمومی از گرانی اما همان گران فروشی است حال آن که گرانی به معنای آن است که مصرف کننده قدرت خرید ندارد و تولیدکننده یا واردکننده هم نمی تواند به قیمت کمتر عرضه کند گران فروشی اما یعنی فروشنده به سود متعارف قناعت نکند و به دنبال سود ۱۰۰ درصدی یا بیشتر باشد درباره اقلام فسادپذیر مانند گل و مواد خوراکی که زود فاسد می شوند البته هزینه اتلاف و دورریز هم محاسبه می شود وقتی موز با کیفیت آمریکای جنوبی در ایران قابل تولید نیست و واردات آن هم به صادرات سبب مشروط شده و با دلار آزاد و گران وارد می شود نمی توان عرضه موز به قیمت بالا را گران فروشی دانست و فروشنده را مقصر دانست اما قطعا و بی هیچ تردیدی به منزله گرانی است یعنی مصرف کننده توان خرید ندارد سوال این است : چرا با این که جنس هست ،



بدون تصویر

گران است؟ چرا که اگر کمبود باشد گرانی قابل فهم است اما وقتی هست و زیاد هم هست چرا باید گران باشد؟ این نوشته می خواهد این را بگوید که شاید این کالا و خدمات نیست که گران است بلکه دستمزد و درآمد است که کم است

از این رو نمی توان علت را به سودجویی صرف نسبت داد و می توان این گزاره را طرح کرد که مشکل جای دیگری است و از این زاویه ها هم به داستان نگریم : اول : در ایران به دلیل بالا بودن حجم نقدینگی و خلق مستمر پول و شبه پول و البته فساد و ارتشا و سپردن خیلی از کارها به ناکارداران ها و ترجیح وفاداری و ریاکاری بر تخصص و دانش و ضعف قوانین طبقات جدیدی ایجاد شده که در کنار برخورداران سابق وضعیتی به وجود آورده که به رغم قیمت بالا همواره عده ای قدرت خرید داشته باشند و اتفاقا برخی به خرید جنس گران تفاخر هم می کنند . منتها عرضه و تقاضا به مناطق جغرافیایی خاصی محدود می شود همین چند روز پیش خودمان این خبر را منتشر کردیم که تقاضای «کله پاچه» در جنوب شهر کاهش یافته و در برخی نقاط به صفر رسیده است ولی در بعضی مناطق تهران همچنان مشتری دارد دوم : داستان ، منحصر به میوه نیست سال ها پیش یک راننده تاکسی حرفی زد که تا مدت ها مرا به فکر فرو برد و وقتی پیاده شدم مدتی به گفته او می اندیشیدم و حتی به مطالعه چند مقاله و حتی یک کتاب در این باره ترغیب کرد حرف ساده راننده تاکسی این بود : «این همه خانه و من بی خانه؟ این همه بانک و من بی پول و لنگ ۵ میلیون تومان؟ این همه دختر مجرد و من بی زن و همسر؟! « حرف او به نظر ساده و شاید تنها یک درد دل عامیانه باشد اما برای من به صورت یک پرسش فلسفی و یک گزاره پارادوکسیکال (تناقض مند/ ناسازواره) جلوه کرد

واقعا چرا وقتی این همه دختر در سن ازدواج وجود دارد ، جوانان مجردند؟ چرا وقتی این همه خانه ساخته می شود و این همه خانه خالی وجود دارد خیلی ها صاحب خانه نیستند و وقتی این همه بانک وجود دارد که پول خرید و فروش می کنند و مدام از رشد نقدینگی صحبت می شود آرزوی اکثر جامعه پول است و از بی پولی می نالند؟ پوپولیست ها یا سوسیالیست های تخیلی پاسخ پرسش را با شعار «عدالت» می دهند و یکی که از همه گزافه گوتر و مدعی تر و اتفاقا امتحان پس داده تر است و عدالت را هم خیلی غلیظ تلفظ می کند به این انگاره ها دامن می زند و راهکار را در تقسیم دار و ندار می داند و کل زمین های ایران را هم می خواهد تقسیم کند . عدالت البته آرمانی بزرگ است اما عدالت واقعی فرصت سازی است و نمی توان با انحصار و ناکارآمدی و صرف شعارهای بی حاصل و استمرار هزینه های بی دلیل به عدالت رسید ۱ با تشدید تحریم ها و پیش بینی کسانی چون مرحوم اسدالله عسگرآولادی درباره بروز قحطی ، اولویت دولت این بود که قحطی نشود و قفسه ها خالی نباشد رشد فروشگاه های زنجیره ای عرضه و فروش کالا هم تلقی قحطی را در مردم ایجاد نکرد و قفسه مغازه ها خالی نشد ولو قیمت ها بالا رفت و برخی اقلام از دسترس بخشی از اقشار جامعه خارج شد از این منظر می توان گفت سیاست جلوگیری از قحطی موفق بوده است ۲ هر چند تولید کنندگان چاره ای جز افزایش قیمت نداشتند اما قبح آن ریخت و در غیاب وزارت بازرگانی که از حقوق مصرف کننده دفاع کند بازرسی و کنترلی برای تطابق افزایش اجتناب ناپذیر با سوء استفاده وجود نداشت یا کم بود مگر می شود یک سازمان واحد هم از حقوق تولیدکننده دفاع کند و هم مصرف کننده؟ این دو سازمان باید جدا باشند وقتی برای سازمان دفاع از تولید کننده مسجل می شود که مثلا قیمت هر لیتر شیر کمتر از ۵ هزار تومان قابل عرضه نیست و سازمان حمایت از مصرف کننده هم بر اساس متوسط دستمزد و درآمد بیش از هر لیتر چهار هزار تومان را خارج از توان مصرف کننده می داند به حفره ۱۰۰۰ تومانی در فاصله این دو قیمت می رسند این را کی باید پر کند؟ دولت معنی یارانه همین است حالا چه به تولید کننده بدهند و چه به مصرف کننده هدف آن باید مشخص باشد منتها چه می کنیم؟ هر ماه به ۷۵ میلیون نفر ۴۵ هزار تومان پرداخت می شود در حالی که اگر حذف می شد و کل آن به یارانه لبنیات یا مواد پروتئینی اختصاص می یافت بخشی از مشکل حل می شد جنس هست اما گران است چون کالا را یا وارد می کنند که با دلار گران ،



ادامه خبر صفحه قبل

[ ۳ ]

آفتاب یزد

۱۳۹۹/۱۲/۱۹



بدون تصویر

طبعاً گران تمام می شود یا در داخل تولید می کنند باز هم گران تمام می شود چون مواد اولیه با دلار محاسبه می شود و ماشین آلات نوسازی نشده است پس برای حل این معما یک راهکار بیشتر وجود ندارد و آن افزایش دستمزدها و بالارفتن قدرت خرید است اما نه دستوری که موجب تورم بیشتر و بیکاری شود بلکه با سرمایه گذاری خارجی سرمایه گذاری خارجی هم با تنش زدایی و از راه اصلاح سیاست ها به دست می آید به زبان روشن تر قیمت ها را نمی توان به شکل سابق برگرداند اما می توان دستمزدها را بالا برد منتها نه در این وضعیت که کارفرماهایی در همین هم مانده اند بلکه وقتی سرمایه گذاری خارجی یا کلان صورت پذیرد یا دست و بال دولت از محل صادرات نفت باز شود و از سوی دیگر هزینه های غیرضرور حذف شوند با دولت فربه و سازمان ها و نهادهای غیر مولد همین درآمد هم صرف آن ها می شود حال آن که این بودجه ها یا باید صرف یارانه های غیرمستقیم شود یا سرمایه گذاری «> واکنش کاربراناما کاربران شبکه های اجتماعی نیز درخصوص گرانی ها به ویژه در خصوص میوه حرف هایی زده اند یکی از کاربران در این مورد نوشته است: «قدرت خرید که هیچ، دیگه قدرت فروش هم نداریم» کاربر دیگری گفته است: «با پول خرید میوه و بقالی، من همین چند سال پیش، ۴ روز رفتم کیش کلی ریخت و پاش کردم و برگشتم! «دیگری نوشت: «مامان بزرگم ده تومن میده میگه مامان برید میوه بخیرید فراموشی اینام نداره ها ولی چند سالیه که خرید نمی کنه باورش نمیشه قیمت ها رو فکر می کنه مسخره اش می کنیم» یکی دیگر از کاربران اینطور می نویسد: «۲ عدد پرتقال ۲ عدد موز ۲ عدد سیب ۶ عدد کیوی (مزه آب میداد) ۱۲۰ هزار تومن وجه رایج مملکت»

کاربران دیگر نوشته اند: «رفتم میوه فروشی ۴۱۵ هزار تومن ناقابل کارت کشیدم فکر کنم تابستون باید هر دفعه دومیلیون برا خرید میوه بدیم و این یعنی میوه نخریم»، «میوه فروش محل میگه مشتری کم شده خدا کنه عید قیمتا بالاتر نره که ما هم فروش کنیم»، «باید کم کم با خرید کیلویی میوه خداحافظی کنیم و دونه ای بخریم»، «با گرونی سرسام آور میوه پیشنهاد می کنم رو به خرید دونه ای بیاریم .

«واقعیت دردناک این روزهای جامعه ایران کافیه یه گشتی تو فروشگاههای زنجیره ای و بازار میوه و تره بار بزنی تا با چشم خودت ببینی، خرید میوه در تره بار درهمه، اما بازار انقدر کساده که تره بار نزدیک ما اجازه میده خود شخص سوا کنه»، «چند سالی بود که بیشتر مردم برای عید نمی تونستن آجیل بخرند، میوه می خریدند، امسال همون هم نمی تونن بخرن». ارسال دیدگاه نام: ایمیل: دیدگاه: آفتاب یزد از چاپ نظراتی که حاوی مطالب کذب، توهین یا بی احترامی به اشخاص، قومیت ها، عقاید دیگران، موارد مغایر با قوانین کشور و آموزه های دین مبین اسلام باشد معذور است نظرات پس از تأیید در بخش روی خط آفتاب روزنامه چاپ می گردد





بدون تصویر

## ۱۰۰ تن شیر خشک در ایرانشهر کشف شد

جانشین فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان گفت: با هوشیاری و رصد اطلاعاتی پلیس ایرانشهر ۱۰۰ تن شیر خشک قاچاق قبل از رسیدن به مقصد در این شهرستان کشف و ضبط شد.

جانشین فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان گفت: با هوشیاری و رصد اطلاعاتی پلیس ایرانشهر ۱۰۰ تن شیر خشک قاچاق قبل از رسیدن به مقصد در این شهرستان کشف و ضبط شد مرتضی جوکارروز، افزود: در پی رصد اطلاعاتی مبنی بر اینکه افرادی متخلف قصد قاچاق محموله بزرگ شیر خشک از سمت کرمان به سمت ایرانشهر و سپس انتقال آن به خارج از کشور را دارند موضوع در دستور کار پلیس آن شهرستان قرار گرفت

او اضافه کرد: ماموران انتظامی ایرانشهر با رصد و کنترل خودروهای عبوری در مسیر بم به ایرانشهر اعضای این باند قاچاق را که با چهار دستگاه تریلی در حال انتقال این محموله قاچاق به مقصد چابهار بودند متوقف و در بازرسی از خودروها مقدار ۱۰۰ تن شیر خشک قاچاق و فاقد مدارک گمرکی را کشف کردند. جانشین فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان تصریح کرد: ارزش محموله کشف شده توسط کارشناسان اداره گمرک استان ۳۹ میلیارد ریال برآورد شده است او تصریح کرد: در این رابطه چهار متخلف دستگیر و با تشکیل پرونده به مراجع قضایی معرفی شدند





واحد مرکزی خبر

۱۳۹۹/۱۲/۱۸

۱۵:۱۵



## کشف ۱۰۰ تن شیر خشک قاچاق در ایرانشهر

به گزارش خبرگزاری صداوسیما؛ مرکز سیستان و بلوچستان ، جانشین فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان گفت : روز گذشته در پی رصد اطلاعاتی مبنی بر اینکه افرادی متخلف قصد قاچاق محموله بزرگ **شیر خشک** از سمت کرمان به سمت ایرانشهر و سپس انتقال آن به خارج از کشور را دارند موضوع به صورت ویژه در دستور کار پلیس آن شهرستان قرار گرفت.

به گزارش خبرگزاری صداوسیما؛ مرکز سیستان و بلوچستان ، جانشین فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان گفت : روز گذشته در پی رصد اطلاعاتی مبنی بر اینکه افرادی متخلف قصد قاچاق محموله بزرگ **شیر خشک** از سمت کرمان به سمت ایرانشهر و سپس انتقال آن به خارج از کشور را دارند موضوع به صورت ویژه در دستور کار پلیس آن شهرستان قرار گرفت .

مرتضی جوکارروز افزود : ماموران انتظامی ایرانشهر با رصد و کنترل خودروهای عبوری در مسیر بم به ایرانشهر اعضای این باند قاچاق را که با چهار دستگاه تریلی در حال انتقال این محموله قاچاق به مقصد چابهار بودند متوقف و در بازرسی از خودروها مقدار ۱۰۰ تن **شیر خشک** قاچاق و فاقد مدارک گمرکی را کشف کردند . جانشین فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان تصریح کرد : ارزش محموله کشف شده توسط کارشناسان اداره گمرک استان ۳۹ میلیارد ریال برآورد شده است وی خاطرنشان کرد : در این رابطه چهار متخلف دستگیر و با تشکیل پرونده به مراجع قضایی معرفی شدند سرهنگ جوکار از شهروندان خواست اخبار و اطلاعات خود را در این خصوص با تماس ۱۱۰ در اختیار پلیس قرار دهند

## ۱۰۰ تن شیر خشک در ایرانشهر کشف شد

زاهدان ایرنا جانشین فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان گفت: با هوشیاری و رصد اطلاعاتی پلیس ایرانشهر ۱۰۰ تن شیر خشک قاچاق قبل از رسیدن به مقصد در این شهرستان کشف و ضبط شد.



مرتضی جوکارروز دوشنبه در گفت و گو با خبرنگار ایرنا اظهارداشت: روز گذشته در پی رصد اطلاعاتی مبنی بر اینکه افرادی متخلف قصد قاچاق محموله بزرگ شیر خشک از سمت کرمان به سمت ایرانشهر و سپس انتقال آن به خارج از کشور را دارند موضوع به صورت ویژه در دستور کار پلیس آن شهرستان قرار گرفت.

وی افزود: ماموران انتظامی ایرانشهر با رصد و کنترل خودروهای عبوری در مسیر بم به ایرانشهر اعضای این باند قاچاق را که با چهار دستگاه تریلی در حال انتقال این محموله قاچاق به مقصد چابهار بودند متوقف و در بازرسی از خودروها مقدار ۱۰۰ تن شیر خشک قاچاق و فاقد مدارک گمرکی را کشف کردند. جانشین فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان تصریح کرد: ارزش محموله کشف شده توسط کارشناسان اداره گمرک استان ۳۹ میلیارد ریال برآورد شده است و ی خاطر نشان کرد: در این رابطه چهار متخلف دستگیر و با تشکیل پرونده به مراجع قضایی معرفی شدند سرهنگ جوکار با اشاره به اینکه قاچاق کالا یکی از عوامل اصلی اخلال در نظام اقتصادی کشور است بر عزم جدی پلیس در برخورد با این پدیده تاکید و از شهروندان خواست اخبار و اطلاعات خود را در این خصوص با تماس ۱۱۰ در اختیار پلیس قرار دهند



تسنیم

۱۳۹۹/۱۲/۱۸

۱۲:۲۶



## دستاورد راه اندازی شهرک صنعتی مشترک ایران با جمهوری آذربایجان توسعه اقتصادی کشور است

گروه استان ها وزیر صنعت ، معدن و تجارت گفت : شهرک صنعتی مشترک ایران با جمهوری آذربایجان دستاوردی مهم و ارزشمند برای توسعه اقتصادی کشور است که باید مورد توجه واقع شود .

اخبار استانها به گزارش خبرگزاری تسنیم از اردبیل ، علیرضا رزم حسینی پیش از ظهر امروز در بازدید از طرح های صنعتی شهرستان پارس آباد اظهار داشت : در راستای توسعه برنامه های صنعتی شهرستان پارس آباد برنامه ریزی های لازم انجام یافته و به همین منظور اهمیت به پایانه ریلی و شهرک مشترک صنعتی ایران و آذربایجان نقطه عطفی برای توسعه اقتصاد منطقه و ارتقای تعاملات است . وی بیان کرد : در راستای اهمیت به اجرا و عملیاتی ساختن اجرای این پروژه ها اهمیت به اجرای پایانه ریلی و شهرک مشترک صنعتی ایران و آذربایجان زمینه ساز توسعه اقتصاد منطقه و ارتقای تعاملات انجام یافته خواهد بود که به همین منظور تلاش خود را برای اتمام این طرح به کار می گیریم

وزیر صنعت ، معدن و تجارت گفت : یکی دیگر از برنامه هایی که برای توسعه اقتصادی کشور یک نیاز اساسی و مبرم است پایانه ریلی و شهرک مشترک صنعتی ایران و آذربایجان محسوب می شود که زمینه توسعه و گسترش کشور را در بخش صادرات ، صنعت و تجارت تا حدود قابل توجهی میسر می کند که این موضوع برای ما بسیار حائز اهمیت است . رزم حسینی ادامه داد : به دنبال افزایش تعاملات اقتصادی و همکاری های مشترک هستیم که این امر نیازمند همکاری های همه جانبه با بخش خصوصی و مسئولان و دستگاه های اجرایی است که امید می رود هر چه سریع تر با اتخاذ تصمیمات مناسب و اساسی در این زمینه اقدامات قابل توجهی انجام یابد

۱۰۷ هزار فرصت شغلی در بخش صنعت کشور ایجاد شد وزیر صمت در اردبیل : مشکلات واحدهای صنعتی را برطرف می کنیم اختصاص ۵۰۰ میلیارد تومان در حوزه صنعت و تولید در استان اردبیل با اشاره به اجرای عملیات واحد تولید لبنیات نیز تصریح کرد : واحد تولید لبنیات پس از ساخت با ظرفیت تولید ۹۰۰ تن سالیانه انواع لبنیات سنتی و صنعتی ، شیرپزی ، شیرخشک را دارد و زمینه اشتغال بیش از ۱۰۰ نفر را فراهم خواهد شد که برای راه اندازی و تکمیل این واحد تولیدی ۷۰۰ میلیارد تومان تسهیلات بانکی مورد نیاز است . وزیر صمت در ادامه از کارخانه کارتن سازی بابایی و کارخانه رب و پروسس و پوره میوه گلدشت مغان نیز بازدید و کلنگ کارخانه لبنیات را بر زمین زد؛ در ادامه در جریان افتتاح کارخانه کاغذ و مقوا سازی قرار گرفت انتهای پیام/۱۴۰ ت



## سیاست های ارزی یکی از عوامل اختلال در بازارهاست / فرهنگ مداخله گری در ایران

ایستانیوز: «در ایران سیاست های مداخله گرانه دولت ها در بازار به یک فرهنگ تبدیل شده است، چراکه خود را بالادست مصرف کننده و تولیدکننده می بیند و سطح اختیارات آنها را به رسمیت نمی شناسد. پس ورود می کند و دستور می دهد»؛ این جملات را به نقل از دکتر پدram سلطانی، فعال اقتصادی و نایب رئیس سابق اتاق بازرگانی ایران در نوشتار پیش رو می خوانید.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی بازارهای مالی (ایستانیوز)، دکتر سلطانی در گفت و گو با «آینده نگر» به آسیب هایی که مداخله در بازارها به تولید می رساند اشاره کرده و رفتارهای دولت ها را در این خصوص واکاوی کرده است بهانه این مصاحبه اتفاقاتی است که در چند وقت اخیر در خصوص کالاهایی مانند مرغ و تخم مرغ و گوشت افتاده است کالاهایی که اگرچه ستاد تنظیم بازار سعی در کنترل و مدیریت قیمت و بازار آنها داشت، اما این دخالت، بازارهای این کالاها را با چالش های زیادی مواجه کرده است به گونه ای که هر روز شاهد خبرهای جدید از افزایش قیمت در این کالاها هستیم سوال نخست را این گونه مطرح می کنم؛ آیا دخالت در بازار اقدام درستی است یا خیر؟ به این سوال نمی شود یک پاسخ صریح و کوتاه داد ابتدا باید به مبانی بازار برگشت تا ببینیم آیا بازار در جایی نیاز به تنظیم دارد یا خیر

بر اساس مفهوم بازار، طبیعتاً انواع بازارها بر یک طیفی قرار دارند که یک سر طیف انحصار کامل است، انحصار به این معنا که فقط یک عرضه کننده و تنها یک تولیدکننده در یک بازار مشخصی برای کالا یا خدمت مشخصی وجود داشته باشد؛ سر دیگر طیف رقابت کامل است و به این معناست که تعداد زیادی تولیدکننده یا عرضه کننده یک کالا و خدمات وجود دارند که هیچ کدام از آنها به بقیه برتری ندارد، سهم تعیین کننده ای از بازار ندارد و هیچ عاملی در بازار وجود ندارد که جایگاه مسلطی به یک بازیگر بدهد؛ عواملی مانند سقف فروش، کف فروش، مقررات محدودیت عرضه و تقاضا و سایر موضوعات و همین طور هر عاملی که اصطلاحاً هزینه بالای مبادله ایجاد کند. شرایطی که در آن، بازار به سمت سر طیف رقابتی باشد (سمت راست طیف) عملاً تنظیم بازار بی معنا است و هیچ گونه فایده ای را نه به مصرف کننده می رساند و نه به تولیدکننده و نه به اقتصاد ملی! اما اگر بازاری در سر چپ طیف باشد ضرورت مداخله گری و ورود دولت برای تنظیم بازار شکل پیدا می کند یعنی اگر انحصار باشد، این مداخله درست است؟ اگر انحصار یا شبه انحصار باشد؛ یعنی یک بازیگر یا چند بازیگر که مجموعاً سهم بزرگی از آن بازار را در اختیار دارند به همین دلیل است که حتی اقتصادهای مبتنی بر بازار و اقتصادهای لیبرال و آزاد در بخش هایی که بازار از انحصار و شبه انحصار دارد، نهادهای تنظیم گر یا رگولاتور یا نهادهای پایش بازار و مقابله با انحصار دارند شکل برخی از صنایع و حوزه های اقتصادی اقتضا می کند که حداقل در شرایط فعلی با توجه به فناوری های موجود تعداد بازیگران اندک باشد و سهمی که از بازار دارند، زیاد باشد مثلاً اپراتورهای تلفن همراه، اپراتورهای بنادر و از این دست در برخی از کشورها بعضی از بازارهایی که می تواند نزدیک به رقابت باشد به جهت سیاست های دولتی یا به جهت دولتی بودن اقتصاد در آنها شبه انحصار وجود دارد مانند صنعت فولاد و پتروشیمی در ایران اینها صنایع شبه انحصاری هستند در حالی که در کشورهای دیگر این صنایع رقابتی هستند البته در کشورهای مبتنی یا متکی بر برخی منابع، نوعی از انحصار را می توانید ببینید مثلاً نفت در کشور ما و در بسیاری از کشورهای تولیدکننده نفت، در انحصار دولت است اگر از این بازارها بخواهیم صحبت کنیم پاسخ مثبت است و در اینجا نیاز به تنظیم بازار احساس می شود اما اینها در مقایسه با تنوع صنایع و خدماتی که در یک اقتصاد وجود دارد تعداد کمی هستند مگر اینکه آن اقتصاد به شدت دولتی باشد، مثل اقتصادهای کمونیستی پیش از فروپاشی اردوگاه کمونیسم که در آنجا دولت در هر بازاری مداخله می کرد و عملاً این انحصار در اختیار دولت بود در آن دوره دولت بر روی هر کالا و هر صنعتی،



قیمت گذاری می کرد اما از زمانی که اقتصادهای کمونیستی فرو پاشیدند بازارهای انحصاری و شبه انحصاری کمتر و کمتر شدند حتی در آینده به جهت ارزان شدن و متحول شدن فناوری هایی مثل فناوری ICT به نظر می رسد تنظیم گری در بسیاری از بازارها برداشته می شود به طور کلی در این مقطع زمانی ، ما در دنیا در جایی ایستاده ایم که اکثر صنایع و خدمات بیشتر به سمت سر طیف رقابت کامل هستند تا انحصار کامل ! و در این صنایع و خدمات که بخش اعظمی از اقتصاد جهانی را تشکیل می دهد ، نیاز به تنظیم بازار به معنایی که امروزه در کشور ما یا کشورهای معدودی انجام می شود ، وجود ندارد . چراکه بازارها به دلیل رقابت «خودتنظیم گر» می شوند یعنی در آن بازارها عرضه و تقاضا معمولاً در یک نقطه تعادلی می ایستند و چنانچه هر طرف دچار نقصان یا افزایش تدریجی یا مقطعی شود ، بعد از مدتی طرف دیگر خود را با آن تنظیم می کند یا به تعادل جدیدی بر پایه قیمت ، کاهش یا افزایش عرضه و تقاضا می رسد آیا این روند را در ایران هم شاهد هستیم؟ آنچه در ایران می بینیم به نظر می رسد مغایر است با آنچه در دنیا اتفاق می افتد در ایران سیاست های مداخله گرانه دولت در بازار از طریق روش هایی که این روزها ما بیشتر می بینیم ، مثل قیمت گذاری و سهمیه گذاری است برخی اوقات با مقررات گذاری در سمت طیف رقابتی بازار هم دولت ها اختلالاتی را به وجود می آورند که بازار را مقداری از رقابت خارج یا دور می کند و آن وقت این اختلال دستاویزی برای مداخله بیشتر دولت ایجاد می کند هر بخشنامه ای که دولت ها در خصوص موضوعات مختلف اقتصادی صادر می کنند می تواند روی رقابت در برخی از حوزه ها اثر منفی داشته باشد؛ مثلاً تعرفه گذاری بر روی واردات و صادرات مواردی است که شاید به نگاه یک بیننده یا یک مصرف کننده عادی ، تنظیم بازار تلقی نشود؛ اما در واقع به نوعی تنظیم کننده بازار است محدود کردن سهمیه یا مجوز احداث یک صنعت یا صنایع خاص هم همین است فرض کنید در یک کشوری تعداد کارخانه های لبنیات را محدود کنند ، این یک نوع تنظیم گری در آن بخش است که می تواند یک شبه انحصاری در تولید لبنیات در آن کشور به وجود آورد و آن وقت دولت به خودش حق می دهد که قیمت گذاری کند می گوید چون من به شما امتیازی دادم و تعداد شما کم شده است پس الان باید قیمت شیر ، ماست و پنیر را هم تعیین کنم در دهه های قبل تعداد کارخانه های سیمان در کشور ما به نسبت کم بود؛ لذا دولت مرتباً این اجازه را به خودش می داد که روی سیمان قیمت گذاری کند حتی موقعی که تعداد کارخانه های سیمان بالا رفت ، چون دولت به قیمت گذاری سیمان عادت کرده بود ، باز این کار را انجام می داد حال آنکه بازار سیمان ایران در سمت رقابت کامل قرار گرفته بود البته این را هم یادآوری کنم که آن نقطه رقابت کامل به معنای نظری و تئوریک هیچ وقت در هیچ اقتصادی اتفاق نمی افتد چون در آنجا هزینه مبادله اصطلاحاً صفر می شود و سودآوری بنگاه به هزینه سرمایه کاهش می یابد این تعریف رقابت کامل است بنابراین وقتی می گوئیم رقابت کامل ، یعنی یک چیزی نزدیک به آن ، نه صددرصد آن ! \* ما در کشور خودمان یک شورای رقابت داریم برای جاهایی که انحصار وجود دارد یک ستاد تنظیم بازار هم در کنار این شکل داده ایم این نگاهی که شما فرمودید در کدام قالب می گنجد؟ چون ما الان ، هم در بازار صنایع انحصاری وارد شده ایم و تعیین تکلیف می کنیم و هم برای کالاهایی که غیرانحصاری هستند مثل مرغ ، گوشت و تخم مرغ و اتفاقاً تنظیم بازار روی این کالاها جواب نداده است چراکه دائماً شاهد جهش قیمت در این کالاها هستیم و باز ستاد تنظیم بازار ورود می کند اما نمی تواند کاری از پیش ببرد ما در هر دو موضوعی که شما اشاره کردید ، در حال اشتباه هستیم اولاً با مقدمه ای که گفتم ، اصولاً مداخله دولت و تنظیم گری در صنایعی که در سمت طیف رقابت کامل هستند همیشه زیان بار است شما به نکته درستی اشاره کردید اثبات شده است در این ۵۰ سال گذشته که رفتارهای قیمت گذاری شروع شد و تا به امروز ، همواره می بینیم که مداخله گری هیچ کمکی به کاهش قیمت نمی کند به طور کلی می خواهیم بگوئیم که ورود دولت به عنوان تنظیم گر بازار در صنایعی که از رقابت بالایی برخوردار هستند و در آنها یک بازیگر غالب وجود ندارد ، کاملاً خطا است در این سر طیف که ما از انحصار کامل یا شبه انحصار داریم متأسفانه شورای رقابت ،



قدرت و کفایت لازم را ندارد و به ندرت دیده شده تصمیماتش اجرائی داشته باشد و اعمال شود به همین دلیل در این سمت هم حقوق مصرف کننده ضایع می شود نهادهی به نام شورای رقابت ، هنوز در ایران نقش موثر خودش را پیدا نکرده است یا اجازه پیدا نکرده که آن نقش موثر را ایفا کند از سال ۹۷ به بعد ، بیشتر شاهد نوسانات و اختلالات در بازار هستیم آیا می توان سیاست های ارزی دولت را یکی از عوامل اختلال در بازارها دانست؟ بله ، حتماً می توانیم این سیاست را یکی از عوامل بدانییم جایی که دولت بر روی ارز هم نرخ گذاری می کند ، در واقع سیاست تنظیم بازار را در بازار ارز هم اعمال می کند و این اتفاق ، پیامدها و برون دادهای منفی خود را دارد ولی همان طور که گفتیم ما از سال ۹۷ شاهد پررنگ شدن قیمت گذاری ، تعزیرات ، ورود ستاد تنظیم بازار و سازمان حمایت از مصرف کننده و تولیدکننده و هستیم معمولاً این اتفاقات زمانی رخ می دهد که دولت خطاهایی در مدیریت اقتصاد کشور داشته یا به واسطه عواملی شوک به اقتصاد کشور وارد کرده است معمولاً این شوک ، شوک دولت پایه است (دولت اینجا به معنای حاکمیت است؛ چون برخی از مشکلات ریشه در تصمیمات مجلس دارد) و بخشی از آنها ریشه در خارج از کشور دارد مثل تحریم ها اتفاقات سال ۹۷ هم ناشی از همین موضوع است این اتفاقات معمولاً زمانی می افتد که دولت به جهت ناتوانی در مدیریت علت ها ، به معلول ها می پردازد ناتوانی یا ناکارآمدی دولت در مدیریت علت ها موجب مستقر شدن یا فشار آن روی معلول ها می شود یک مثال ساده این است که گاهی می بینید در زمان تردد در سطح شهر از یک مسیر ، ترافیک بیشتر از حالت معمول است بعد از نیم ساعت زمانی که کمی جلوتر می آید متوجه می شوید که حضور دو پلیس در آنجا به دلیل کنترل تردد خودروها موجب شده که این ترافیک سنگین تر شود برای من زیاد از این موارد پیش آمده و جالب است که چنین کنترل هایی از سوی پلیس در مسیری که خودتنظیم بوده اند و کمتر پلیس در آنها تردد را تنظیم می کرده ، همیشه ترافیک افزا بوده و هیچ وقت ترافیک را کمتر نکرده است زیرا جریان تردد خودروها در آن مسیر با اقتضات آنجا و با فرهنگ رانندگی موجود در کشور ما تطبیق داده شده است و به محض اینکه عامل مداخله گری به صورت آنی وارد می شود ، ترافیک را تشدید می کند همین اتفاق عیناً در بازار می افتد یعنی به محض اینکه دولت روی کالایی دست می گذارد که در عرضه و تقاضای آن رقابت وجود دارد ، حساسیت ها ، و نگاه های مصرف کننده و تولیدکننده متوجه آن می شود در این صورت ، مصرف کننده در خرید آن کالا شتاب می کند؛ چون احساس می کند ممکن است کمبود ایجاد شود تولیدکننده اگر بتواند در فروش توقف می کند چون فکر می کند که آب ها از آسیاب می افتد و می تواند بعداً آن را بفروشد واسطه در انباشت کالا سرعت می دهد چون فکر می کند که این کالا را کمی نگه دارد ، گران می شود؛ یا تباری هایی ایجاد می شود برای اینکه این کالا از شبکه قانونی فروش خارج شود و به صورت بدون فاکتور و غیرقانونی به فروش برسد به همین جهت است که ما شاهد این برون دادها هستیم

به بیان کلی متأسفانه حکمرانی در ایران از درک بنیادی مفاهیم اقتصاد و مدیریت عاجز است و ما در سطوح کلان کشور کمتر کسانی را داشتیم که اقتصاد و نحوه مدیریت یک سیستم زنده یعنی یک جامعه را بتوانند خوب بفهمند و آگاه به این باشند که تصمیمات آنی و مقطعی تاثیر منفی بیشتری نسبت به تصمیمات بسترساز و اصلاحات ساختاری به دنبال دارد . برای همین است که یک رئیس جمهور می آید و می گوید من دستور دادم که قیمت گوجه را کنترل کنند؛ شما در هیچ اقتصاد توسعه یافته و حتی در اقتصاد در حال توسعه نمی بینید که رئیس جمهور به قیمت یک کالا وارد شود و دستور مشخصی را برای کنترل قیمت یک کالا دهد به جای اینکه این موضوعات در تحلیل اقتصادی و بدنه کارشناسی بررسی شود ، سر از دستورات حکومتی و سطوح بالای کشور درمی آورد بحث ورود و دخالت در بازار ، بحث امروز و دیروز نیست یعنی به نوعی به نظر می رسد با فرهنگ ما عجین شده است دلیلش چیست؟ بله ، این موضوع جزو فرهنگ ما شده است چرا دولت به حیطة ای که مصرف کننده و تولیدکننده باید خودشان را تنظیم کنند ،



ورود می کند؟ چون خود را بالادست آنها می بیند و سطح اختیارات آنها را به رسمیت نمی شناسد پس ورود می کند و دستور می دهد رئیس جمهور به حوزه ای ورود می کند که مثلاً باید یک مدیرکل در وزارت خانه آن را بررسی کند در واقع تنظیم سیاست به شکل تنظیم بازار در آن فرهنگ ظهور می کند

در این شرایط تفویض اختیاری را که در چهارچوب حکمرانی به یک وزیر ، معاون وزیر یا یک بدنه کارشناسی شده است متاسفانه مقامات بالادست نقض می کنند و به رسمیت نمی شناسند و این گونه می شود که ما رفتارمان به این سمت می رود که به خودمان اجازه می دهیم در هر سیستمی اختلال به وجود آوریم و هر تصمیمی را تحمیل کنیم . البته این موضوع را حتی در دستگاه دیپلماسی کشور هم می توان دید که نهادهای مختلف حوزه عمل دیپلمات ها را تحت تاثیر قرار می دهند با این صحبت هایی که داشتیم به نظر شما آسیب هایی که تنظیم بازار به اقتصاد و تولید وارد می کند چیست؟ سیستم تنظیم بازار در حوزه ها و صنایعی که در آنها ما رقابت نسبی داریم مضرات فراوانی دارد ، اعم از اینکه تولید را سرکوب می کند و از آن طرف چون تولید سرکوب می شود تولیدکننده را از دولت طلبکار می کند در نهایت دولت مجبور می شود خسارتی را که به تولیدکننده وارد کرده با یک رانتی مثل ارز ارزان یا وام ارزان یا خوراک ارزان یا در مقاطع خاصی پذیرش افزایش جهشی قیمت ، در سیاست های تنظیم قیمت برایش جبران کند این سرکوب تولید برای مدت طولانی چون رقابت را مختل می کند تولیدکننده ها را بعضاً اغفال می کند و سوق می دهد به سمت اینکه از کیفیتشان بزنند یا بعضی از آنها کم فروشی کنند الان شاهدیم که برخی از کالاها نه تنها از کیفیت ، که از کمیت هم می کاهند ولی قیمت را تغییر نمی دهند بله ، درست است اما دولت دلخوش است که توانسته قیمت را کنترل کند این سیستم به غیر از این موارد ، حتی باعث می شود که درآمد خود دولت هم کم شود یعنی انتقال درآمد از دولت به سمت اقتصاد خاکستری صورت می پذیرد به این صورت که فروش خارج از شبکه زیاد می شود و معمولاً وارد بازار آزاد و بازار سیاه می شود می بینید که می گویند تخم مرغ ۳۰ هزار تومان شده است خب چه کسی آن را ۳۰ هزار تومان فروخته است؟ معلوم است که این کالا در خارج از شبکه فروش می رود و به این معنا است که دولت نمی تواند مالیاتش را بگیرد ، در واقع دولت درآمد خودش را هم با قیمت گذاری کم می کند حتی سود تولیدکننده را هم کم می کند علاوه بر این ، با این کار به قاچاق صادراتی و وارداتی دامن می زند یعنی کالایی که باید بخشی از آن وارد شبکه شود ، به عراق و افغانستان قاچاق می شود ممنوعیت صادراتی به نوعی سیاست تنظیم بازار است که باعث قاچاق می شود این در حالی است که اگر صادرات انجام شود ، دولت می تواند ارز را از صادرکننده مطالبه کند؛ اما موقعی که قاچاق رخ می دهد ، دیگر ارزی را هم نمی شود مطالبه کرد از طرف دیگر این میزان از مداخله توسط دولت هزینه های جاری و اداری زیادی را به دولت تحمیل می کند چراکه باید برای بازار ناظر بگذارد ، مسئول تعزیرات داشته باشد ، هزینه های اداری کلان برای ایاب ذهاب بدهد تا به این مغازه و آن مغازه سر بزنند یا بودجه چند صد میلیاردی بگذارد تا قیمت را کنترل کند حتی با این کار بعضاً پای نظامی ها ، انتظامی ها و نیروهای شبه نظامی را در قالب کنترل بازار به اقتصاد باز می کند این گروه ها زمانی که وارد شبکه اقتصاد شوند ، مدیریت اقتصاد از عهده و اداره و کفایت دولت خارج می شود این گونه است که دولت به بی کفایتی بیشتر متهم می شود و بازار هم کلی مدعی فرادولتی پیدا می کند در انتها هم شاهد افزایش قیمت هستیم توجه داشته باشید هر جا که فشار را بر روی قیمت بگذاریم ، بالاخره بازار بعد از مدتی فوران می کند و دولت به ناچار افزایش قیمت را به رسمیت می شناسد منتها افزایش های جهشی را ! ناگهان قیمت لبنیات را ۳۰ درصد بالا می برد ، در صورتی که اگر وارد این بازار نمی شدند و تنظیم گری نمی کردند ، شاید این قیمت به تدریج بالا می رفت اینها همگی آثار مخرب ورود به بازارهایی است که نیازی به مداخله ندارند